

۱- عَيْنَ الْأَمِّحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ الْمَفْرَدَاتِ أَوْ الْحَوَارِ:

«لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ الصَّدَقِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ!»

- ۱) با نماز و روزه‌شان مغرور شدند ولی در زمان صداقت و ادای امانت (امانت‌داری) آزموده شدند!
  - ۲) فریب نماز و روزه آن‌ها را نخورید بلکه آن‌ها را هنگام راستگویی و ادای امانت (امانت‌داری) بیازمایید!
  - ۳) با نماز و روزه‌شان آن‌ها را فریب دادند ولی هنگام راستی سخن و ادای امانت (امانت‌داری) آن‌ها را امتحان کردند!
  - ۴) گول نمازها و روزه‌هایشان را نخورید چرا که باید آن‌ها را در وقت راستی گفتار و ادای امانت (امانت‌داری) بیازمایید!
- ۲- «حَدَّرْتُ صَدِيقِي أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِعَهْوِهِ لِأَنَّهُ لَنْ يَعْمَلَ مَا يُقَرَّرُ وَالْإِحْتِيَالُ مِنْ مُوَاصَفَاتِهِ!»:

- ۱) دوستم به من هشدار داد که گول عهد و پیمان او را نخورم، زیرا او به آن چه قول بدهد عمل نخواهد کرد و از ویژگی‌های اوست که فریب دهد!
- ۲) به دوستم هشدار دادم که فریب پیمان‌های او را نخورد، زیرا او به آن چه قرار می‌گذارد عمل هرگز نخواهد کرد و فریبکاری از ویژگی‌های اوست!
- ۳) به دوستم هشدار دادم که نباید فریب قول‌های او را بخورد، زیرا او به آن چه قرار گذاشته عمل نخواهد کرد و فریبکاری ویژگی اوست!
- ۴) به دوستم هشدار دادم که گول پیمان‌های او را نخورد، زیرا فریبکاری ویژگی اوست و به آن چه قرار می‌گذارد عمل نمی‌کند!

۳- «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ!»:

- ۱) هیچ فردی نتوانست چیزی را پنهان کند، مگر آنکه ظاهر چهره‌اش یا اشتباهات زبانش آشکار شد!
- ۲) هیچ کس هیچ چیزی را پنهان نمی‌کند، چون در چرخش زبان و ظاهر چهره‌اش نمایان می‌شود!
- ۳) کسی چیزی را پنهان نکرد مگر اینکه در لغزش‌های زبانش و همه جای چهره‌اش آشکار گشت!
- ۴) کسی که چیزی در لغزش زبانش یا در تمام چهره‌اش آشکار شد، چیزی را پنهان نکرد!

۴- «كَانَ خَطِيئِي الْكَبِيرِ أَنْ اسْتَشْرَيْتُ مُخْتَالاً كَزِمِيلِي الْجَاهِلِ الَّذِي يَتَّظَاهِرُ بِالصَّدَاقَةِ!»:

- ۱) اشتباه بزرگ من است که با دانش‌آموز نادان و خودپسندی که تظاهر به دوستی می‌کند مشورت کنم!
- ۲) اینکه از مغروری مثل هم‌کلاسی نادانم که تظاهر به راستگویی می‌کند، مشاوره بگیرم، خطای بزرگی است!
- ۳) از اشتباهات بزرگ من بود که با نادانی مثل آن دانش‌آموز خودپسند که تظاهر به راستگویی کرده بود مشورت کردم!
- ۴) اشتباه بزرگ من بود که با خودپسندی همچون هم‌کلاسی نادانم که تظاهر به دوستی می‌کرد، مشورت کردم!

۵- «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَسْمَحَ لِلْغَرِيبِينَ أَنْ يَتَدَخَّلُوا فِي أُمُورِنَا وَ يُنْكِرُوا حُرِّيَّتِنَا!»:

- ۱) ما نباید به غربی‌ها اجازه دخالت در کارمان و انکار آزادی‌مان را بدهیم!
- ۲) ما به غربی‌ها اجازه نمی‌دهیم که در کارهایمان دخالت کنند و آزادی را انکار کنند!
- ۳) ما باید به غربی‌ها اجازه ندهیم که در کارهایمان دخالت کنند و آزادی‌مان را انکار کنند!
- ۴) بر ما واجب است که به غربی‌ها اجازه ندهیم در کارها دخالت کنند و آزادی ما را انکار می‌کنند!

۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) یحکی آن‌ها در عصر العباسی‌کان تاجراً کثیر المعاصی! حکایت شده است که در زمان عباسی تاجری بسیار گناهکار بود
- ۲) لانه یکذب عند البیع و لا یبیع وفاقاً لما یرید المشتري! زیرا او هنگام فروش دروغ می‌گوید و براساس آن چه خریدار می‌خواهد نمی‌فروشد!
- ۳) فقدم من عمله السیء و شاء أن تخلص من شر عیبه! پس از این کار زشت پشیمان شد و می‌خواست که از شر عیبش رهایی یابد!
- ۴) فأخذ یصلح سلوکه و التزم بالصدق فی الکلام! پس رفتارش را اصلاح کرد و به راستگویی در سخن پایبند شد!

۷- فی آی مجموعة لیس کل الکلمات من نوع واحد:

- ۱) الشریحة - الرصد - الجوال (۲) السیارة - السفینة - الطائرة (۳) الشحن - الشریحة - الطنطنة (۴) الغد - أمس - الیوم

۸- أی منتخب أبعده فی المفهوم «لن ننالوا البرَّ حتی تُنفقوا ممَّا تُحبون»:

- ۱) درمان بنما درد ضعیفان به شب سرد / انفاق نما اندکی از مال، جوانمرد
- ۲) مصطفی گفت هر که کرد انفاق / ببرد مزد خویش یوم تلاق (روز قیامت)
- ۳) در راه خدا گر که بخواهی کرم و جود / انفاق ز مال است، بدانید شود سود
- ۴) انفاق و زکاتی بده از ناز نگاهت / این دیده محتاج و دل سائل ما را

۹- عَيْنَ الْخَطَا حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

- ۱) علینا أن نبتعد من إحتیال الکاذب!
- ۲) علینا أن نستشرَّ الَّذی یصلی و یصوم فقط!
- ۳) المسک عطراً یُتخذ من نوع من الغزلان!
- ۴) الکلمات المعربة کلمات فارسیة نُقلت إلى اللغه العربیة!

۱۰- «یذهب زائرة عند موظف الإیتصالات و تشکو أن الشحن لا یعمل». ما هو الجواب المناسب لهذا الزائر؟

- ۱) عفواً، فی بطاقة الشحن إشکال!
- ۲) هل تُریدین شریحة الجوال؟
- ۳) تستطیعین أن تشحنی رصید جوالک!
- ۴) سامحینی، أبدل لک البطاقة!

\*\*\*إقرأ النصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَابِسُ النَّصَّ:

«الصدق من أهم خصال الخیر و هو علی رأس مکارم الأخلاق التي أمرنا القرآن و الأحادیثُ بالالتزام به! یعتبرُ الصدقُ صفةَ الأفاضل و الّذین یخبرون مطابق الواقع و یبتعدُ عنه الأراذل لهذا، الكذب و الفجور صفة المُنَافِقین، فإنَّ الصدق من أهم أخلاق المسلم و يجب أن يتحلَّى (أراسته شود) به و یبتعدُ عن الكذب كما نبینا یأمرنا و یقول: «علیکم بالصدق فإنَّ الصدق یدعی إلى البرِّ و إنَّ البرَّ یدعی إلى الجنة و الكذب یدعی إلى الفجور و الفجور یدعی إلى النار» فعلینا أن نعوذَ أنفسنا دائماً علی صفة الصدق و نبتعد عن الكذب!»

١١- ما هو معنى الصدق؟

(١) هو الخبرُ المخالف للواقع! (٢) الهدايةُ نحو البر!

(٣) هو الخبرُ المطابق للحقيقة! (٤) الإخبار عن شيءٍ جديد!

١٢- ماذا يستنبطُ من النَّصِّ:

(١) الكذب و الفجور بعيدان عن المنافقين!

(٣) الكذب نجاةُ المرء في الأسرة و المجتمع!

١٣- عَيِّن الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ؟

(١) إنَّ الصَّدق يُعتَبَر من صفات الأفاضل!

(٣) الكذب من أهمِّ أخلاق المُسلم!

(٢) نَقدر أن نعتدَّ على من يُخبر مخالفاً للحقيقة!

(٤) الصَّدق صفة يتحلَّى بها الفاسقون!

١٤- عَيِّن الخَطأَ عن المتضادِّ:

(١) الصادقين ≠ المنافقين (٢) المطابق ≠ المخالف

(٣) الصَّدق ≠ الكذب (٤) الأراذل ≠ الأفاضل

١٥- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي أَفعالٍ تحتها خطٌّ فِي النَّصِّ عَلَى التَّرتيبِ:

(١) الفعل المجهول - للغائب - يُترجم بالمضارع الإخباري

(٣) فعل بزيادة حرفين - مصدره «بعد» - يترجم بالمضارع الإلتزامي

(٢) الفعل المجهول - فاعله «الأراذل» - على وزن «تفعيل»

(٤) الفعل المضارع المعلوم - على وزن «إفتعال» - فاعله «أنفس»

١٦- عَيِّن فعلاً يَدلُّ عَلَى «المستقبل المنفي»:

(١) طلب الأستاد من الطلاب أن يجلسوا جنب التّوافذا!

(٣) لن أصعّر حَدَيّ لمحتاجٍ يسأل المُساعدة!

(٢) إنَّ اللهَ يَضربُ الأمثالَ لعباده لكي يؤمنوا به!

(٤) هم يحاولون حتّى لا يفشلوا في خُطّتهم!

١٧- عَيِّن اسمَ التَّفْضيلِ أو اسمَ المكانِ معرفةً:

(١) كان جدّي يَعْمَلُ في مصنع كبير في إيران!

(٣) في محافظتنا ملعب كبير لمسابقات كرة القدم!

(٢) ما هو أحسن من كلام جميل يُسمع في الصّباح؟!

(٤) الشّيء الأرخص في مجتمَعنا هو العمل بالقرآن!

١٨- عَيِّن فعلاً فِي معنى الماضي الإستمراضي:

(١) كيف يهدى الله قوماً كفروا بعد إيمانهم؟

(٣) كادتِ السّيارةُ تُصدّمني في الشّارع!

(٢) وجدتُ نباتات طازجةً أفتشُ عنها كلّ اليوم!

(٤) فلأحّ معمرٌ يبني سياجاً قد بيع أخشابه أمس!

١٩- عَيِّن النَّعت (الصفة) يَخْتلِفُ عن الباقي:

(١) لحظةُ زيارةِ جدّتي لحظةٌ أنتظرها في كلّ الأسبوع!

(٣) عليك أن تُنْفِقي من ثرواتك العظيمة؛ يا اختي!

(٢) ظهرت أشعةُ الشّمسِ الذهبيّة من وراء الجبال!

(٤) أنا راضٍ برضى الله عند مواجهة حوادث الدّهر المرّة!

٢٠- عَيِّن فعلاً ما له معنى المضارع الإلتزامي:

(١) كتب أبي رسالةً حتّى يُقدّم لي مواظماً قيمةً!

(٣) الطّالِب المثلّي هو من لا يهْرُبُ من أداء واجباته!

(٢) عليك أن تُراجِع الصّيدليّة لشراء هذه الأدوية!

(٤) لكي تُرشّد عليك أن تستمع على ما يقولك المعلّم!